

بنام خدا

جلسه چهارم : دوشنبه ۹۹/۲/۸ ۱۳:۳۰-۱۵:۳۰

نام فایل English 99-2-8

Unit 2

Reading 1

Paragraph 9 page 19

To leave: ترک کردن (left) no cake left for me

To abandon, to forsake

Light: هوس باز-سبک-نور-چراغ-آتش

To spend: صرف کردن – خرج کردن

Outdoor: فضای خارج از منزل

To ride: سوار شدن – سواری give me a ride

Bike: کندی زنبور عسل – انبوه- جمعیت- دوچرخه (bicycle)

To lower: فروکش کردن – تنزل دادن - کاستن

To recycle: بازیابی کردن – باز یافتن

Trash: زواید گیاهان – خاکروبه – زباله rubbish, garbage

Dump: وارد خیالات واهی شدن – زباله انباشته شده

Unit 2 Reading 2

The Effects of Global Warming

Paragraph 1 page 24

Issue: صادر کردن- صدور- مساله- موضوع

Region: ناحیه- منطقه- area

Typically: بطور نمونه

Experience: تجربه

Drought: خشک کردن: to dry خشک- خشکی

Paragraph 3 page 25

To melt: آب شدن- ذوب شدن- گداختن

Polar: قطب pole قطبی

Icecap: توده یخی در حال پراکنده شدن

Level: surface تراز کردن- میزان کردن- تراز- سطح

Perhaps: شاید likely, probably

Serious: جدی - مهم- وخیم earnest

Ecosystem: ویژگی مربوط به محیط زیستی-

بخشی از جامعه که تشکیل یک واحد فاعله در طبیعت را بدهند

Marine: تفنگدار دریایی- وابسته به دریانوردی- دریایی- بحری

Mass: heap, pile جرم- انبوه- توده- حجم

To reduce: lessen, alleviate تقلیل دادن- کاهش دادن

Century: (پیاله- بوق horn) age- horn قرن - سده

Consequently: نتیجتا- در نتیجه- متعاقبا- بنابر این

Flood: torrent, inundation سیل

Billion: میلیارد در billionaire میلیارد

Beyond: ماوراء- آن سوی- آن طرف تر

To face: پوشاندن سطح- روکش کردن- رو یا روی شدن- مواجه شدن

accost, front, encounter , confront: مواجه کردن

Shortage: کسری- کمبود- محدودیت limitation

Paragraph 4 page 25

Extreme: مفرط- فزونی- خیلی زیاد- بینهایت abundance, excess

To hit: فیلم پر مشتری- اصابت- به هدف زدن imping, strike

To destroy: تباه کردن- ویران کردن- خراب کردن ruin, lay waste

Community: اجتماع- انجمن- عوام commune, communalize

Damage: معیوب کردن- خسارت زدن- خسارت- زیان

loss, hurt, harm, injury, detriment

Wash away: شستن و بردن- دور راندن

wash and wear بشور و بپوش

even: حتی به خواب هم دیده نشده: undreamed: عدد زوج در ریاضی- حتی

Disease: بیماری- مرض illness

To spread: منتشر شدن- فرش کردن- گسترده- پخش کردن

To treat: رفتار کردن- درمان کردن to cure, to remedy of cure

To worsen: بدتر جلوه دادن- بدتر کردن aggravate, deteriorate

Paragraph 5 page 25

To migrate: مهاجر- کوچ نشین: immigration, immigrant مهاجرت کردن

Malaria-carrying-mosquito: پشه ناقل بیماری مالاریا

Northern: شمالی

Hemisphere: نیمکره

To contaminate: سرایت دادن- آلوده کردن

Chemical material: ماده شیمیایی

Paragraph **6** page 25-26

Hurricane: طوفان storm, deluge

Tsunami : آب لرزه- زلزله دریایی

To devastate: تاراج کردن- ویران کردن- خراب کردن

Due to: بدلیل- بسبب

To influence: تاثیر گذاشتن

Besides: در کنار- وانگهی- بعلاوه

Heat waves: امواج گرمازا

Paragraph **7** page 26

